**هو اللّه**

ای منجذبه محبّت اللّه مکتوبيکه هنگام رفتن مرقوم نموده بودی ملاحظه گرديد از مضمون مسرور شدم و اميدوارم که ديده بصيرت چنان باز گردد که حقائق اسرار ملکوت واضح و آشکار شود در بدايت مکتوب کلمه مبارکی مرقوم و آن اينست من مسيحی هستم ايکاش جميع عالم مسيحی حقيقی بود زيرا مسيحی لفظی بودن آسان ولی مسيحی حقيقی بودن مشکل امروز تقريباً پانصد مليون نفوس مسيحی هستند امّا مسيحی حقيقی نادر و آن نفسی است که انوار مسيح از جمال او باهر و بکمالات ملکوتی ظاهر اين امريست عظيم و جامع جميع فضائل اميدوارم که تو نيز مسيحی حقيقی گردی حمد کن خدا را که بواسطه تعاليم الهيّه نورانيّت و بصيرت عظمی حاصل گرديد و در ايمان و ايقان ثابت و پايدار شدی اميدوارم که ديگران نيز چشمی روشن و گوشی شنوا يابند و بحيات ابديّه فائز گردند تا اين نهرها که در مجاری متعدّده مختلفة الشکل جاری راجع بمحيط اعظم شوند يکبحر گردند و يکموج زنند و ارتباط و اتّحاد تام حاصل نمايند تا وحدت حقيقت بقوه الهيّه اين اختلاف مجاز را از ميان بردارد و اساس اصلی اينست اگر اين حاصل گردد مسائل سائره بالطبيعه زائل شود. ای محترمه تعاليم الهيّه در اين دور نورانی چنين است که نبايد نفوس را توهين نمود و بجهالت نسبت داد که تو ندانی و من دانم بلکه بايد بجميع نفوس بنظر احترام نظر کرد و در بيان و دلالت بطرز تحرّی حقيقت مکالمه نمود که بيائيد مسائلی چند در ميان است تا تحرّی حقيقت نمائيم و ببينيم چگونه و چسان است مبلّغ نبايد خويش را دانا و ديگرانرا نادان شمرد اين فکر سبب تکبّر گردد و تکبّر سبب عدم تأثّر بلکه بايد امتيازی در خود نبيند و با ديگران بنهايت مهربانی و خضوع و خشوع صحبت بدارد اين نوع بيان تأثير کند و سبب تربيت نفوس شود. ای محترمه جميع انبيا بر اين مبعوث شدند و حضرت مسيح بجهت اين ظاهر گشتند و جمال مبارک نيز ندای الهی باين مقصد بلند فرمودند تا عالم انسانی جهان آسمانی گردد ناسوتی لاهوتی شود ظلمانی نورانی گردد شيطانی رحمانی شود و اتّحاد و الفت و محبّت در بين عموم اهل عالم حاصل گردد و وحدت اصليّه رخ بگشايد و بنيان اختلاف بر افتد و حيات ابدی و موهبت سرمدی حاصل گردد. ای محترمه در عالم وجود نظر کن اجتماع و الفت و اتّحاد سبب حياتست و تفريق و اختلاف سبب ممات چون در جميع کائنات نظر نمائی ملاحظه کنی که هر کائنی از کائنات از اجتماع و امتزاج عناصری متعدّده تحقّق يافته و چون اين اجتماع عناصر تفريق شود و ائتلاف باختلاف منقلب گردد آن کائن موجود محو و نابود شود ای محترمه در دورهای سابق هر چند ائتلاف حاصل گشت ولی بکلّی ائتلاف من علی الارض غير قابل زيرا وسائل و وسائط اتّحاد مفقود و در ميان قطعات خمسه عالم ارتباط و اتصال معدوم بلکه در بين امم يک قطعه نيز اجتماع و تبادل افکار معسور لهذا اجتماع جميع طوائف عالم در يک نقطه اتّحاد و اتّصال و تبادل افکار ممتنع و محال امّا حال وسائل اتّصال بسيار و فی الحقيقه قطعات خمسه عالم حکم يکقطعه يافته و از برای هر فردی از افراد سياحت در جميع بلاد و اختلاط و تبادل افکار با جميع عباد در نهايت سهولت ميسّر بقسميکه هر نفسی بواسطه نشريّات مقتدر بر اطّلاع احوال و اديان و افکار جميع ملل و همچنين جميع قطعات عالم يعنی ملل و دول و مدن و قری محتاج يکديگر و از برای هيچ يک استغنای از ديگری نه زيرا روابط سياسيّه بين کلّ موجود و ارتباط تجارت و صناعت و زراعت و معارف در نهايت محکمی مشهود لهذا اتّفاق کلّ و اتّحاد عموم ممکن الحصول و اين اسباب از معجزات اين عصر مجيد و قرن عظيم است و قرون ماضيه از آن محروم زيرا اين قرن انوار عالمی ديگر و قوّتی ديگر و نورانيّتی ديگر دارد اينست که ملاحظه مينمائی در هر روزی معجز جديدی مينمايد و عاقبت در انجمن عالم شمعهای روشنی بر افروزد و مانند بارقه صبح اين نورانيّت عظيمه آثارش از افق عالم نمودار گشته شمع اوّل وحدت سياسيست و جزئی اثری از آن ظاهر گرديده و شمع دوم وحدت آراء در امور عظيمه است آن نيز عنقريب اثرش ظاهر گردد و شمع سوّم وحدت آزاديست آن نيز قطعيّاً حاصل گردد و شمع چهارم وحدت دينی است اين اصل اساس است و شاهد اين وحدت در انجمن عالم بقوّت الهيّه جلوه نمايد و شمع پنجم وحدت وطنيّت در اين قرن اين اتّحاد و يگانگی نيز بنهايت قوّت ظاهر شود جميع ملل عالم عاقبت خود را اهل وطن واحد شمارند و شمع ششم وحدت جنس است جميع من علی الارض مانند جنس واحد شوند شمع هفتم وحدت لسان است يعنی لسانی ايجاد گردد که عموم خلق تحصيل آن نمايند و با يکديگر مکالمه کنند اين امور که ذکر شد جميعا قطعی الحصولست زيرا قوّتی ملکوتيّه مؤيّد آن ملاحظه نما که در ايران اجناس مختلفه و مذاهب متباغضه و آراء مختلفه بدرجه‌ای بود که بدتر از جميع جهان بود حال بنفحات قدس چنان ارتباط و التيامی حاصل گشته که اين ملل مختلفه و مذاهب متضادّه و اجناس متباغضه حکم يک شخص پيدا نموده‌اند ملاحظه ميشود که در نهايت محبّت و الفت و يگانگی با يکديگر معاشر و مجالس و مؤانسند و در محافل عظيمه مسيحی و موسوی و زردشتی و مسلمان در نهايت الفت و يگانگی و محبّت و آزادگی و سرور و فرح با هم مجتمع و مؤانس و مجالسند و ابداً فرقی در ميان نه ملاحظه نما که قوّه اسم اعظم چه نموده. در خصوص الواح نوشته بوديد انشاء اللّه جمع ميشود و تنسيخ ميگردد و ارسال خواهد شد بجميع دوستان تحيّت محترمانه برسان. (عبدالبهاء ‌عبّاس)